

بتاریخ چهاردهم مهر ماه یک هزار و سیصد و هشتاد و هشت

نشانه هایی از پیوستن کارگران به صفوف مبارزات مردمی

دیروز بیانیه ای از طرف کارگران ایران خودرو منتشر گشت که محتوای آن نشانگر عزمی راسخ در رویارویی کارگران این واحد بزرگ صنعتی با مدیریت سرمایه داران بود. در این بیانیه، خبرهایی حاکی از رو در رو قرار گرفتن نمایندگان غیر رسمی کارگران سالن های تولید با مدیریت جدید، پس از مراسم نماز عید فطر داده شد. در این مذاکرات غیر رسمی، نمایندگان کارگران بخش تولید به طرح شکایات و خواسته های پرداخته و مدیریت را تهدید توقف خط تولید کرده اند. در مقابل نیز مدیریت کارخانه به ایشان قول رسیدگی فوری به این مطالبات را داده است. منابع کارگری از این واحد صنعتی گزارش می دهند که اگر رسیدگی به این مطالبات فوراً آغاز نگشته و نتایج آن در چند روز آینده به اطلاع کارگران نرسد، اقدامات بعدی کارگران بسیار جدی خواهد بود. اما این منابع از توضیح درباره ی شکل و شیوه ی اعتراضی مورد نظرشان خودداری کردند. همچنین گزارشات رسیده از منابع صنعت نفت حاکیست که شواهدی دال بر آغاز کم کاری های اعتراضی در بخش های مختلف صنعت نفت مشهود گشته است. این خبرها شامل ایست کامل خطوط تولید قیر، کم کاری در توزیع بنزین و عدم رسیدگی مکانیکی های خدمات تأسیساتی به دستگاه های پالایشگاهی در چند پالایشگاه کشور می شود. دو روز پیش نیز خبر از اعتصاب مجدد کارگران شرکت نیشکر هفت تپه در رسانه ها سر تیر خیرهای کارگری بود. این در حالیست که در دو هفته ی گذشته، چندین واحد صنعتی بزرگ در شهر اراک و قزوین، کردستان و دیگر شهرهای ایران مخابره شده است.

اخراج دانشجویان ساکن کوی دانشگاه تهران ادامه دارد

اخراج دانشجویان ساکن کوی دانشگاه تهران همچنان ادامه دارد. هنوز آمار دقیقی از اخراج شدگان کوی در دست نیست. تعدادی از دانشجویان ساکن کوی پسران و دختران دانشگاه تهران طی هفته گذشته حکم اخراج از کوی دانشگاه را از سوی مسوولین خوابگاه دریافت کرده اند. تعداد دقیق این دانشجویان هنوز مشخص نیست اما آنچه محرز و مشخص است حضور این دانشجویان در تجمعات اعتراضی هفته اخیر در دانشگاه و خوابگاه و تلاش در جهت سازماندهی بی نظمی و اغتشاش در خوابگاه، به عنوان دلیل این اخراج ذکر شده است.

اعتراضات در دانشگاه شیراز ادامه دارد

بیش از 500 نفر از دانشجویان دانشگاه شیراز دیروز در این دانشگاه تحصن کرده و شعارهایی علیه دولت کودتا سر دادند. دانشگاه شیراز این روزها بسیار متشنج است و با دانشجویانی که با مچیند سبز وارد دانشگاه می شوند به شدت برخورد می شود و برخی از آن ها به کمیته انضباطی فراخوانده شده اند. رئیس دانشگاه شیراز نیز درباره پرونده دانشجویان متخلف در حوادث پس از انتخابات در این دانشگاه گفته بود که حداقل 20 پرونده در این زمینه در کمیته انضباطی دانشگاه شیراز در حال بررسی است. به گزارش موج سبز آزادی، محمد هادی صادقی به خبرگزاری مهر گفت: "حدود 10 یا 15 نفر دانشجوی دانشگاه شیراز باعث ایجاد اخلال و بی نظمی هایی در خوابگاه های دانشگاه شده اند که لازم است هر چه زودتر با آنها برخورد شود. در حال حاضر 20 تا 30 پرونده در کمیته انضباطی دانشگاه شیراز به خاطر اتفاقات پس از انتخابات در حال بررسی است". رئیس دانشگاه شیراز سپس در ادامه ادعا کرد که "بیشتر این ها ناشی از منابعی خارج از محیط دانشگاه است." صادقی همچنین ادعا کرده بود برخی که قصد اخلال در دانشگاه را دارند شبها در حد چند دقیقه الله اکبر می گویند و ایجاد اخلال می کنند.

فشار بر دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

با آغاز سال تحصیلی جدید فشار بردانشجویان دانشگاه های مختلف در حال افزایش است. طی هفته ی گذشته اعتراض های دانشجویی در بیشتر دانشگاه های کشور به ویژه دانشگاه تهران و دانشگاه صنعتی شریف صورت گرفت. این مساله موجب تشدید فشار بردانشجویان این دانشگاه ها و سایر دانشگاه ها گردیده است. از دانشگاه تربیت مدرس خبر می رسد مسئولان دانشگاه به دانشجویان هشدار داده اند که در صورت شکل گرفتن حرکت های اعتراضی در این دانشگاه به طور حتم با دانشجویان متخلف برخورد خواهد شد. مدیریت دانشگاه تربیت مدرس به حراست این دانشگاه دستور داده است تا با نظارت بیشتر بر فعالیت های دانشجویان، این دانشگاه را از انجام هر گونه حرکت اعتراضی دور نگه بدارند. برخی گزارش ها حاکی از آن است که از سوی حراست و ریاست دانشگاه تربیت مدرس توصیه نامه هایی تهیه شده و به صورت شب نامه در اتاق های دانشجویان ریخته شده است که اگر دانشجویان این دانشگاه علیه دولت دست به حرکت اعتراضی بزنند از دانشگاه اخراج و یا با برخوردهای سخت کمیته ی انضباطی روبرو خواهند شد.

راهپیمایی کودکان جنوب تهران در حمایت از حقوق خود

حدود یک هزار کودک از مهد کودک ها و مدارس ابتدایی ناحیه 1 و 2 شهرری با حمل پلاکارد ها سر دادن شعارهایی با مضمون "من حق دارم خوب زندگی کنم"، "کودکان توانمند، جامعه پویا، زندگی با نشاط"، "هیچ واژه ای در لغت نامه کودک به نام غصه وجود ندارد"، "حق کودک مهر ورزی به اوست" و... این روز را گرمی داشته و از مسئولان و شهروندان خواستار احقاق حقوق خود شدند. جلال خوشخوان مسئول هماهنگی ستاد مدیریت بحران منطقه 20 با اشاره به اینکه این اقدام در راستای پیوستن این منطقه به جامعه ایمن صورت گرفته است افزود: ایجاد شهری ایمن و زندگی با نشاط برای کودکان از جمله اهداف کمیته راهبری جامعه ایمن است. وی در تشریح دیگر برنامه های روز جهانی کودکان گفت: طی دو روز آینده نیز جنگ شادی و ایستگاههای هنری و فرهنگی با اجرای برنامه های همچون نمایش، مسابقه نقاشی، موسیقی و... در مجموعه فرهنگی ولی عصر برپا می شود.

بتاریخ چهاردهم مهر ماه یک هزار و سیصد و هشتاد و هشت

توهم «اصلاحات حکومتی» بزرگترین مانع تغییر

چرا همه خود را به «کوچه علی چپ» زده اند و فکر می کنند که شعار اصلاح حکومت جمهوری اسلامی و «اجرای بندهای معوقه در قانون اساسی» و شیوه ی گام به گام تغییر، همین دیروز و با حضور «موسوی و شرکاء» آغاز شده است؟ در صورتیکه این گامهای اصلاح طلبانه از بیش از 12 سال پیش آغاز گشته است. در سال 76 بود که یکی از شرکای کنونی موسوی، محمد خاتمی، دقیقاً با همین شعارها و توصیه ها رییس جمهور شد. اما، با گذشت اولین دوره و آغاز دومین آن به مردم ثابت شد که شعار «اصلاح طلبی حکومتی» به نفع آزادی های دموکراتیک چیزی جز خواب و خیال و حیز گم کردن جناح های حکومتی نیست. البته خاتمی، مانند موسوی این شانس را نیاورد که از نشستن بر اریکه ی قدرت باز بماند. او بدون هیچ مانعی بر صندلی ریاست جمهوری تکیه زد و با فاصله بسیار کوتاهی از مرحمت یک مجلس اصلاح طلب با اکثریت 80 در صد برخوردار گشت و تمامی بزرگان اصلاحات که این دور به زندان افتادند، حی و حاضر با تشکیل حزب «جبهه مشارکت»، با همین ادعاهای شبکه ای و اجتماعی بودن حزب «راه سبز امید» در کنار و پشتنش قرار گرفتند. نتیجه اش چه شد؟ آیا اصلاحی صورت پذیرفت؟

شاید جوانان ما اطلاع چندانی از منظور اصلاح طلبان از «اصلاحات» نداشته باشند. به همین علت ما گناهی بر ایشان وارد نمی دانیم. اما، حضراتی چون چریک های اکثریتی و حزب توده ای و رهبران جنبش های اجتماعی، چون جنبش زنان و کارگری و دانشجویی کاملاً حضور ذهن دارند که این دار و دسته ای که ما به جای «خاتمی و شرکاء» و «جبهه مشارکت» دیروزی، امروز با عنوان «موسوی و شرکاء» و «راه سبز امید» نام می بریم، بزرگترین تغییرات را در زمینه های اقتصادی فردی و گروهی شان دادند. در آن زمان ها به یاد داریم که حضرات «سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی» بویژه آقای بهزاد نبوی، در مقام طرف ایرانی در رأس کنسرسیوم «پروژه پارس جنوبی» قرار گرفت و صحن مجلس و ستادهای جبهه مشارکت، تبدیل به بورس قراردادهای دولتی و تخصیص بودجه های کلان به این قراردادهای گشت و انحصار باند هاشمی رفسنجانی در قراردادهای نفتی تقویت شد و گند و فساد صفایی فراهانی عالمگیر گشت و ... این اصلاح طلبان برای ایجاد اصلاحات در وضعیت اقتصادی فردی و گروهی شان چنان عزمی نشان دادند که اگر یکدهم آن را به تغییر و تصویب قانون جدید مطبوعات و به اجرا در آوردن بندهای تعویقی قانون اساسی و دیگر شعارهای اصلاحات سیاسی ادعایی شان، از جمله، آزادی مطبوعات و بیان، آزادی تحزب و تشکل، برابری حقوق زن و مرد و ... می دادند، پس از 8 سال، شرمنده ی این ملت نمی شدند. آیا جوانان ما به یاد ندارند که یکی از دلایل پیروزی احمدی نژاد در انتخابات سال 84، رویگردانی مردم از همین فساد اقتصادی و بی عزمی اصلاح طلبان در پیگیری شعارهای ادعایی شان بود؟ در انتخابات 1384 نیز مردم گول «اصلاح طلبی اصولگرا» را خوردند و فکر کردند که اگر احمدی نژاد بیاید، قرار است که این باندهای انحصاری اقتصادی را در هم شکنند و پول نفتی را که برابر با میلیاردها دلار می شد و به جیب آقای هاشمی رفسنجانی و بهزاد نبوی و شرکایشان می رفت را به سفره ایشان بریزد. اما چه شد؟ اصلاحات اصولگرایی در شکل آزاد کردن گرگ های گرسنه ی «نسل دومی» سپاه پاسداران صورت پذیرفت که خود را در چپاول دارایی ها و پول خون مردم سهیم می دانستند و با چنان اشتباهی به جان مردم افتادند که هنوز سیر نشده و با زور اسلحه به این سفره چسبیده اند.

پس اینگونه نیست که «اصلاحات درون حکومتی» غیر ممکن است! خیر. اتفاقاً، این اصلاحات آنقدر ممکن است که همین چند روز پیش، آقای هاشمی رفسنجانی با سوء استفاده از فشارهای مبارزات مردمی، در تأمین زندگی فردی، خانوادگی و شرکایش دست به چنان اصلاحاتی زد که گندش همچون دیگر اصلاحات وی، بزودی در خواهد آمد. و برای تشکر از خامنه ای که در چنین اقدام اصلاحی ای با او همکاری کرده بود، به او «قبای برانزده ی ولایت» هدیه داد. آنچه که در درون نظام جمهوری اسلامی غیر ممکن است «اصلاحات حکومتی» به نفع منافع مردم و احیاء حقوق حقه شان می باشد. چرا؟ چون اصولاً هیچیک از جناح های حکومتی، باند های متنوع «اصلاح طلب» و «اصولگرا»، منافع شان در رسیدن مردم به نان شب و سقف روی سر و آزادی بیان و عمل نیست. آنها همگی در گروه های شریک و رقیب یکدیگر سازمان یافته اند که هر یک بخشی از دارایی های این مملکت و خون کارگران و مردم را به انحصار خود در آورده اند و همواره در جنگ و جدال و سازش با یکدیگر بسر می برند. آنچه که آنها را در عین چند پاره گی و جنگ و جدال، متحد و یکپارچه کرده است، حق مالکیتی است که با زور اسلحه و بند و شلاق و به تاراج بردن ثروت های مردمی بدست آورده اند. دقیقاً به علت همین یکپارچگی است که هیچیک از این جناح ها، دارای عزم اصلاحات در جهت تأمین نان و مسکن و آزادی مردمی نیست و توهم مردم به امکان پذیر بودن چنین اصلاحاتی، مانع اصلی اقدامات انقلابی ایشان برای تغییر است.

تا امروز که قریب به 3 ماه از آغاز مبارزات مردمی برای اصلاحات گام به گام حکومت سرمایه داری جمهوری اسلامی می گذرد، باندهای چند سال مبارزه انقلابی با سلطنت پهلوی هزینه داده ایم. صدها کشته و مفقود الاثر، هزاران زندانی و شکنجه و تجاوز، حکومت نظامی، حضور نیروهای مسلح در معابر و تحمیل اختناق و ... اما هنوز نتوانسته ایم که این حکومت را وادار به کوچکترین عقب نشینی و برداشتن کوتاه ترین گامی در جهت باز کردن فضای سیاسی و اجتماعی کنیم. چرا؟ چون در زمان حکومت پهلوی، هیچیک از مردم ما مبتلا به توهم «اصلاح پذیر» بودن حکومت سلطنتی نبودند. اما امروز، اکثریت جامعه هنوز دچار چنین توهمی است و کاملاً خود را در اختیار «موسوی و شرکاء» قرار داده است تا دوز روزانه اش را از داروهای توهم زا به آنها برساند.

آری! بزرگترین مانع تغییر به زندگی بهتر و آزادتر، توهم به «اصلاحات حکومتی» در جهت منافع مردمی است.

سرنگون باد حکومت سرمایه داری جمهوری اسلامی!

نان، مسکن، آزادی - جمهوری شورایی!

ن. ن. 14 مهرماه 1388

انتشار از «ندای سرخ» وابسته به گروه «بسوی انقلاب»